عقاید دیوبندیه

دیوبندیه فقهی حنفی، کلامی ماتریدی ـ اشعری، و تصوفی چشتی ـ نقشبندی دارد و با اصلاحاتی از سوی سرهندی، شاه ولی الله دهلوی، شاه عبدالعزیز دهلوی و شاه اسماعیل دهلوی همراه است و نیز هزاران عالم دارد که هر کدام گرایش فکری خاصی دارند. از این رو، یقیناً نمی توان انتظار مشی خاصی از این دانشمندان داشت، ولی ما در اینجا به بعضی از اعتقادات مشترک آنان که از اندیشه های حنفی ـ ماتریدی و صوفیانه نشأت می گیرد می پردازیم.

**1. وحدت وجود:** وحدت وجود که به وسیله ابن عربی تبیین فلسفی شد، نزد بسیاری از طرق صوفیه پذیرفته شده است. شیخ امداد الله مکی به عنوان استاد مولانا قاسم نانوتوی و شیخ رشید احمد گنگوهی وحدت وجود را قبول داشتند و آن را از فیوضات ابن عربی می دانستند. در این زمینه دیدگاههای شیخ احمد گنگوهی، شیخ اشرف علی تهانوی، شیخ محمد انور کشمیری در شرح حدیث «لایزال عبدی یتقرب الیّ بالنوافل»، شیخ محمد زکریا کاندهلوی، شیخ شبیر احمد عثمانی و ...، شبیه کلام شیخ امداد الله مکی است.

**2. آداب صوفیان:** یکی از اعمال صوفیان این است که هنگامی که سالک مشغول ذکر می شود، باید در جای آرام تمرکز حواس پیدا کند و شیخ بزرگ طریقه یا مرشد خود را در ذهنش تصور نماید و همراه با آن تصور به ذکر و اوراد بپردازد تا تصور شیخ در ذهنش ملکه شود و احساس کند شیخ همیشه ناظر اوست. شیخ احمد گنگوهی گفته است: صورت شیخ امداد الله به مدت سه سال در قلبم جای داشت و تمام کارهایم را به اذن او انجام می دادم و بعد از آن صورت رسول الله در قلبم بود و اعمالم را بدون اذن پیامبر انجام نمی دادم. شیخ اشرف علی تهانوی نیز می گفت: این جانب ارتباطهای روحی با شیخ امدادالله داشته ام و بدون اذن او قیام و قعود نمی کردم.

از دیگر آداب صوفیان بیعت با مرشد است که بعد از بیعت، سالک باید اوراد و اذکاری را که شیخ به او می آموزد به خوبی انجام دهد تا به فنای کامل برسد. به قول صوفیه، شرع مقدس این مقام را مقام احسان نامیده است. به هر حال ذکر و ورد، مراقبه و فکر، اراده و ربط قلب به شیخ و فنا و بقا وخلوت و غیر آن، در نزد عارفان دیوبندیه پذیرفته شده است.

**3. در باب زیارات:** کتاب المهند علی المفند جواب 26 سؤال درباره مسائل مطرح بین وهابیت، دیوبندیه و بریلویه است که به تأیید حدود پنجاه نفر از علمای دیوبند رسیده و از اعتبار خاصی برخوردار است. اولین سؤال این است که آیا سفر برای زیارت پیامبر جایز است یا نه و آیا نیت آن باید سفر برای زیارت پیامبر باشد یا برای رفتن به مسجد النبی. در پاسخ به این سؤال، مولانا خلیل احمد سهارنپوری می گوید: بنابر نظر علمای حنفی و مسلک اشعری و ماتریدی و طرق صوفیه، زیارت قبر پیامبر از بزرگ ترین اعمالی است که انسان را به خدا نزدیک می کند. ابن همام نیز گفته است که نیت زیارت قبر پیامبر جایز است. شیخ رشید احمد گنگوهی نیز رساله ای به نام زبدة المناسک فی فضل زیارة المدینة المنورة دارد که بارها چاپ شده است.

**4. درباب توسلات:** سهارنپوری در باب توسل به پیامبر و اولیا می نویسد:

نزد مشایخ ما توسل به انبیا و اولیا جایز و بیان جمله «اسهم انی اتوسل الیک بفلان» نزد شاه محمد اسحاق دهلوی، شیخ امداد الله و شیخ رشید احمد صحیح است و ایرادی بر آن وارد نیست.

**5. صفات الهی:** دیوبندیه معتقدند در صفات خبری و غیر آن آیات قرآن راهنماست، ولی کیفیت بعضی از صفات همچون (ان الله علی العرش استوی) و (یدالله فوق ایدیهم) را نمی توان دانست. باید خداوند را منزه از صفات مخلوقین به شمار آورد و نقص و حدوثی برای وی قائل نشد. همچنین به تأویلاتی همچون «ید» به معنای قدرت، «استواء» به معنای استیلا، برای تقریب اذهان قاصران، ایرادی وارد نیست. از عبارات سهارنپوری در المهند به دست می آید که اگر چه آنان ماتریدی مذهب اند، رویکرد آنان به اشاعره بیشتر است. مثلاً در بحث اینکه آیا از خدا کذب صادر می شود، رویکردی اشعری دارند و با حسن و قبح شرعی به مسئله جواب می دهند و حال آنکه دیدگاه اشاعره حسن و قبح شرعی و دیدگاه ماتریدیه، حسن و قبح عقلی است.

**6. مقام پیامبر:** دیوبندیه قائل به افضلیت پیامبر (ص) بر تمام خلایق ‍ اند و هیچ کس را در مقام قرب الهی همپایه پیامبر(ص) نمی دانند و به حیات پیامبر(ص) در بعد از مرگ و در قبر معتقدند و آن را حیاتی دنیوی و نه برزخی می دانند. در این زمینه مولانا قاسم نانوتوی کتابی به نام آب حیات نگاشته است. گفتنی است که در زمان گسترش دیوبندیه، قادیانیه نیز در هند ظهور کرد، لذا علمای دیوبند به مسئله نبوت و خاتم الانبیا بودن پیامبر نیز پرداختند و با ادله گوناگون در این زمینه کتاب نوشتند. یکی از این نگاشته ها، کتاب تحذیر الناس نوشته مولانا قاسم نانوتوی است.

دیوبندیه در مقابل وهابیت که شأن و علم بالای برای پیامبر قائل نیستند، قائل به اشرفیت او از مخلوقات و علم او به اسرار خفیه ذات و صفات الهی و آنچه در سرادقات است می باشند و معتقدند نه ملک مقرب و نه نبی مرسل، هیچ یک به مقام او نمی رسد و اینکه برخی گفته اند ابلیس از پیامبر عالم تر است، کفر است. شیخ اشرف علی تهانوی در رساله حفظ الایمان گفته است: قرآن فرموده که غیر از خدا عالم الغیب نیست، ولی این دلیل نمی شود که پیامبر از غیب خبر نداشته باشد.

**7. اجتهاد و تقلید:** مولانا خلیل احمد سهارنپوری، تقلید یکی از ائمه اربعه اهل سنت را واجب دانسته و اجتهاد در این زمان را باعث افتادن در زندقه و الحاد اعلام کرده است. این دیدگاه اندکی با دیدگاه وهابیت و شاه ولی الله دهلوی در تعارض است و شاید عقیده شخصی وی باشد. شاه اسماعیل در تقویة الایمان و اهل حدیث سازمان جماعة التبلیغ قائل به اجتهادند و تقلید را نمی پذیرند.

**8. بزرگداشت موالید:** سهارنپوری از استادان خود نقل می کند که آنان در جواب سؤالاتی که در این زمینه از آنان شده است، ذکر تولد پیامبر را جایز، بلکه مستحب دانسته اند؛ به شرط آنکه منجر به اعمال خلاف شرع نشود و مخالف سیره سلف نباشد. اینکه بزرگان ما از بزرگداشت بعضی از موالید جلوگیری می کردند، به خاطر منکراتی بود که در آنها انجام می شد با منکراتی مثل ذکر روایات موضوع، اختلاط زن و مرد، اسراف در تزیینات، و تکفیر و سب و لعن هر کس که در آن مجالس شرکت نکند. ولی اگر این مجالس خالی از منکرات باشد، هیچ کس مخالف ذکر تولد پیامبر و امثال آن نیست.

دیوبندیه با طواف دور قبر، سجده تعظیم در وقت ورود به زیارتگاه بزرگان و اولیا سجده در جلو مرشد، مراسم تعزیه شیعیان هندوستان، و اعتقاد به نزول روح پیامبر از عالم ارواح به عالم شهادت در زمان مجالس بزرگداشت میلاد پیامبر، مخالفت می کنند و آنها را بدعت در دین معرفی می نمایند.